

دکتر گری میدورز، اول قرن‌تیان، سخنرانی ۹ مقدمه رساله‌ای پولس بر اول قرن‌تیان ۱: ۱-۹

گری میدورز و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر گری میدورز در تدریس خود در مورد کتاب اول قرن‌تیان است. این سخنرانی ۹، مقدمه رساله‌ای پولس بر اول قرن‌تیان ۱: ۱-۹ است.

آخرین باری که با هم بودیم، به ساختار کتاب اول قرن‌تیان نگاه کردیم و دیدیم که وقتی به قسمت‌هایی مانند و ۷:۱ نگاه می‌کنیم، سه بخش اصلی در چیزی که ما بدنه اصلی کتاب می‌نامیم وجود دارد. و ۵:۱، ۱:۱۱ سپس دیدیم که در ۷:۱ تا ۱۶، پولس به سازماندهی آن اشاره می‌کند زیرا او با گفتن به آنها، حالا در مورد این یا حالا در مورد آن، به سؤالات و مسائلی که قرن‌تیان در مورد آنها نوشته بودند پاسخ می‌دهد و تعدادی از مسائل و سؤالات اصلی را علامت می‌زند.

امروز، ما قصد داریم متن اصلی کتاب اول قرن‌تیان را شروع کنیم. و شما باید دفترچه یادداشت شماره ۶ را در مقابل خود داشته باشید. این دفترچه حدود صفحات ۵۰ تا ۵۲ خواهد بود، فقط سه صفحه برای این

و اگر به هر دلیلی صفحه‌بندی نشده باشد، تمام صفحات شما صفحه‌بندی شده‌اند، اما این یکی از صفحات من از قلم افتاده است. احتمالاً تا زمانی که به دستتان برسد، اصلاح خواهد شد. فقط روی آن صفحات و ۵۲ را بنویسید تا بتوانید آنها را پیگیری کنید. بسیار خوب، باید کتاب مقدس خود را باز و همراه ۵۱، ۵۰، داشته باشید.

اگر قرار است هر متنی را از متن یونانی مطالعه کنید، داشتن آن نیز مفید خواهد بود. می‌خواهم در مورد نامه‌ای از عهد جدید که در صفحه ۵۰ شروع می‌شود با شما صحبت کنم. کتاب اول قرن‌تیان، مانند تمام نوشته‌های پولس، مورد بحث است که آیا پولس رساله به عبرانیان را نوشته است یا خیر.

اگر، شاید، این یک استثنا بود. آن در قالب نامه نمی‌بود. اما پولس اینها را به صورت نامه نوشت.

حتی رومیان هم ژانر نامه دارد، هرچند نحوه‌ی سازماندهی رومیان کمی با یک نامه‌ی معمولی متفاوت است، به‌ویژه از نظر بدنه‌ی اصلی نامه و منطقی که پولس در آنجا به تصویر می‌کشد. اکنون، در یک نامه‌ی عهد جدید، ما آنها را در کتاب مقدس خود «رساله» می‌نامیم. وقتی در مورد عهد جدید صحبت می‌کنیم، معمولاً از اصطلاح «رساله» به عنوان «رساله» یاد می‌شود.

این بیشتر شبیه یک سنت است، به این صورت که ما یک کلمه خاص را ترجمه می‌کنیم. در واقع، این رساله می‌نامیم epistole در واقع یک ترجمه نیست. چیزی است که ما آن را آوانگاری کلمه یونانی

را خواهید داشت epistle کلمه epistole اگر حروف کلمه یونانی و انگلیسی را با هم ترکیب کنید، به جای را خواهید داشت. این چیزی است که letter را ترجمه کنید، کلمه epistole که خود کلمه است. اما اگر ما با آن سر و کار داریم.

اینها قطعاً نامه‌های طولانی هستند. شاید برخی استدلال کنند که اگرچه پولس از فرم حروف یونانی-رومی استفاده می‌کند، اما از آنچه در منابع سطحی خود از آن دوره می‌یابیم، منحرف شده است. بسیاری از نامه‌ها کاملاً کوتاه بودند، همانطور که به زودی به شما نشان خواهیم داد.

حالا، به پاراگراف ۲، جمله دوم توجه کنید، عهد جدید مدام از اصطلاح «نامه» استفاده می‌کند، و من ترجمه آن را با حروف انگلیسی در آنجا برای اشاره به مکاتبات کتبی مانند این به شما ارائه دادم. من تعدادی متن ارائه داده‌ام. قرار نیست روی این نوارها تمرین کتاب مقدس انجام دهم.

می‌توانید آنها را جستجو کنید، اما در کتاب اعمال رسولان، در کتاب رومیان، اول قرن‌تین، دوم قرن‌تین، کولسیان، اول تسالونیکیان، دوم تسالونیکیان و حتی در دوم پطرس، این اصطلاح استفاده شده است و همواره به معنای نامه است. و همانطور که قبلاً اشاره کردیم، این یک نامه ترجمه شده است، اما یک رساله ترجمه شده است و این کلمه‌ای است که تا حدودی در سنت‌های مسیحی ما جا افتاده است. طبق معیارهای باستانی، اکثر رساله‌های عهد جدید از این نوع نامه هستند.

روی GENRE، خوب، ما قبلاً از این کلمه استفاده کرده‌ایم، اما بگذارید فقط یادآوری کنم که کلمه ژانر صفحه است. کلمه ژانر به نوعی از ادبیات مربوط می‌شود. شعر یک ژانر شاعرانه است. این بدان معناست که آن قالب، نوعی ادبیات است.

ضرب‌المثل‌ها یک ژانر هستند. آن‌ها نوعی ادبیات هستند. روایت هم یک ژانر است. رساله یک ژانر است. آخرالزمانی یک ژانر است. انجیل هم یک ژانر است.

بنابراین، شما در کتاب مقدس ژانرهای زیادی، انواع زیادی از ادبیات دارید. حال، ادبیات به معنای ژانر آن است، و ژانر یک نامه بسیار مهم است که بتوانید آن را درک کنید تا بفهمید که این نامه به چه معناست. ژانر به رساله‌ها از نظر آنچه ما ادبیات گاه به گاه می‌نامیم، مربوط می‌شود.

نامه‌ای از طرف یک نویسنده برای مردم نوشته می‌شود. آن‌ها مجموعه‌ای از اطلاعات را به اشتراک می‌گذارند. افرادی که نامه را دریافت می‌کنند، آن مجموعه را می‌شناسند.

کسی که نامه را می‌نویسد، آن برکه را می‌شناسد. از نظر تاریخی، این اتفاق به این شکل رخ داده است، و بعد ما ۲۰۰۰ سال بعد به این نامه‌ها می‌رسیم، و ما آن برکه را با دیگران تقسیم نمی‌کنیم. ما برکه خودمان را داریم، و خطر این است که می‌توانیم کلمات آنها را بگیریم و در برکه خودمان قرار دهیم، و در ادامه قیاس آنها را وادار کنیم همانطور که ما می‌بینیم شنا کنند، در حالی که زمینه اصلی ما این است که آن را همانطور که آنها می‌بینند ببینیم.

بنابراین، وقتی به نامه‌ای نگاه می‌کنیم، به یاد می‌آوریم که به دلیل خاص نوشته شده است. بنابراین، آن را ادبیات مناسبی می‌نامیم و متوجه می‌شویم که وقتی یکی از این نامه‌ها را می‌خوانیم، در واقع داریم از یک سر تلفن حرف می‌زنیم. من کمی قبل‌تر از این مثال استفاده کردم که ما یک مکالمه تلفنی یک طرفه داشتیم.

ما نیمی از آن را داریم. نیم دیگر آن طرف خط است. حالا نه نیم دیگر از نظر کامل بودن ادبیاتی که پیش روی ماست.

ما جملات کامل داریم. ما پاراگراف داریم، و آن پاراگراف‌ها معنا می‌دهند، و در عین حال، از نظر زمینه‌ای که در ابتدا در آن نوشته شده‌اند، معنا می‌دهند. در نتیجه، ما باید چیزی در مورد آن سوی تلفن بفهمیم.

چه اتفاقی داشت می‌افتاد؟ طرز فکر آنها چگونه بود؟ پولس چگونه سعی داشت طرز فکر آنها را تغییر دهد؟ تا نکات ظریفی را که در متنی که پیش روی ماست پیدا کنیم. حال، این نامه‌ها، طبق معیارهای باستانی شکل خاصی داشتند. می‌توانید، همانطور که اینجا پیشنهاد دادم، در یک فرهنگ لغت، فرهنگ مفسران کتاب مقدس، جستجو کنید.

را در آنجا جستجو کنید و آن را پیدا letter اگر فرهنگ لغت کتاب مقدس انکر را دارید، می‌توانید کلمه را جستجو کنید و احتمالاً این دو کلمه را به هم ربط می‌دهد. شکل نامه در قرن essay کنید. می‌توانید کلمه اول دارای ویژگی‌های خاصی بود.

در اواسط صفحه ۵۰، این موارد را برای شما فهرست کرده‌ام. نامه‌ها در دنیای باستان یک مقدمه داشتند. گاهی اوقات می‌توانیم از آن به عنوان سلام و احوالپرسی یاد کنیم.

این چیزی بیش از یک سلام و احوالپرسی است؛ این یک مقدمه است. شامل یک سلام و احوالپرسی است. مقدمه شامل شناسایی فرستنده، مخاطب یا مخاطبان می‌شود.

نوعی تبریک. معمولاً آرزوی سلامتی برای گیرنده وجود دارد. یا همانطور که در نامه‌های عهد جدید می‌بینیم، عبارتی برای شکرگزاری در مورد آنها.

بنابراین، چیزی در مورد مخاطب وجود دارد، و چیزی در مورد نویسنده وجود دارد که در پیش‌نویس، سلام و مقدمه آمده است. سپس، پس از آن، و آن هم اغلب نسبتاً کوتاه است، چند آیه، چیزی داریم که به عنوان بدنه اصلی نامه شناخته می‌شود. بدنه اصلی شامل محتوا و اطلاعاتی است که نویسنده قصد انتقال آن را دارد.

چه مختصر باشند، مثل دوم یوحنا یا سوم یوحنا، که حتی به دلیل خلاصه بودن، فصل‌بندی هم نشده‌اند کتاب یهودا و کتاب فیلیمون، همگی نامه هستند. در نتیجه، یک مقدمه، یک تحیت و یک متن یا بدنه اصلی دارند.

و قرن‌تای یک بدنه اصلی عظیم و طولانی است. بنابراین، اندازه نیست که ماهیت آن را تعیین می‌کند، بلکه محل قرارگیری آن است. و بنابراین، متن اول قرن‌تای در وسط قرار دارد. این بدنه نامه است.

سپس، شما یک نتیجه‌گیری یا اختتامیه دارید. در اختتامیه نامه‌ها، سلام و احوالپرسی دارید. معمولاً، این سلام‌ها به افراد دیگری است که نویسنده مستقیماً در نامه به آنها نپرداخته است. اینها گنجینه‌هایی هستند که به ما کمک می‌کنند تا برخی از زمینه‌های تاریخی را درک کنیم.

بعضی از این پایان‌بندی‌ها خیلی طولانی هستند و اسم افراد زیادی را می‌آورند. خیلی وقت‌ها، وقتی شما کتاب مقدس را می‌خوانید و وقتی من کتاب مقدس را می‌خوانم، به این موضوع می‌رسیم و می‌گوییم، خب، من که نمی‌دانم این افراد چه کسانی هستند، بنابراین واقعاً منظور این نامه را متوجه شده‌ام، بنابراین وقت زیادی را آنجا صرف نمی‌کنم. آنها به نوعی نادیده گرفته می‌شوند.

اما اطلاعات بسیار زیادی در مورد نام‌های شخصی، اینکه چه کسی چه کاری انجام می‌دهد و فعالیت‌هایی که این جامعه به تصویر می‌کشد، علاوه بر نشان دادن جنبه شخصی نویسنده، وجود دارد. بنابراین ما سلام و احوالپرسی داریم، دوباره آرزوها را داریم، سلام‌های پایانی یا جملات دعا.

گاهی اوقات، تاریخ‌گذاری وجود دارد. بیشتر نامه‌های باستانی، نامه‌های غیرمذهبی، با یک تاریخ به پایان می‌رسیدند. آیا آرزو نمی‌کنیم که رسولان از این جنبه از ژانر نامه پیروی می‌کردند و در انتهای هر یک از این نامه‌ها تاریخ می‌گذاشتند؟

اگرچه مطمئنیم که تاریخ اکثر نامه‌ها را نسبتاً دقیق بازسازی کرده‌ایم، آیا خوب نمی‌بود اگر آنها فقط این قالب را تا حد امکان رعایت می‌کردند و برای ما تاریخ هم می‌گذاشتند؟ بنابراین شما یک مقدمه، متن یا بدنه نامه دارید و یک نتیجه‌گیری. اکنون، در صفحه ۵۰ نمونه‌ای از یک نامه سکولار را که نسبتاً معاصر با زمان عهد جدید است، برای شما آورده‌ام.

بنابراین، می‌توانید ببینید که نامه‌ای که کسی می‌نوشته چه شکلی بوده است. سرپیون به برادرانش بطلمیوس درود. و آپولونیوس.

اگر حالتان خوب باشد، عالی می‌شود. من خودم خوبم. اوضاع مالی خوبی دارند، مگر نه؟ من با دختر پاریس قرارداد بسته‌ام و قصد دارم همین ماه در میسوری با او ازدواج کنم.

لطفاً یک نصفه اتوس روغن یا نصفه کورس روغن برای من بفرستید. من برای شما نوشتم که به شما اطلاع دهم. خداحافظ.

سال ۲۸. ماه ۲۱ یا روز ۲۱. بعد ماه می‌آید، و بعد روز.

و بعد می‌گویید، و بعد فکری می‌کند. برای روز عروسی بیایید. آپولونیوس.

در نتیجه، ما یک نامه بسیار کوتاه داریم. ما تعداد زیادی از این نوع مکاتبات را پیدا کردیم. این فقط یک نمونه از نامه‌های داتی است که مجموعه‌ای از نامه‌های باستانی دارد.

حالا به چند نکته در مورد این نامه توجه کنید. اول از همه، نویسنده نامه را سرپیون معرفی می‌کند. او به برادرانش می‌نویسد.

فرض من در این مورد این است که اینها برادران واقعی هستند، نه مانند کتاب مقدس که در آن به مؤمنان دیگر نوشته شده است. اما این یک نامه سکولار است.

خب، این نامه‌ای است به این دو برادر، بطلمیوس و آپولونیوس. و بعد کلمه درود دارد. زیر کلمه درود خط بکشید.

سلام و احوالپرسی بخشی از فرم نامه بود. و من در مورد آن وقتی که در مورد نامه‌ها صحبت می‌کنیم صحبت خواهیم کرد. و سپس او می‌گوید، اگر حالتان خوب باشد، عالی خواهد بود.

من خوبم. خب، این آرزوی سلامتی است. آرزو می‌کنم که خوبی و نیکی بخشی از دریافت‌کننده‌ی نامه باشد.

سپس، بدنه اصلی نامه را داریم. من قراردادی بسته‌ام. و این روند مدتی ادامه دارد.

دارم برات می‌نویسم که بدونی. بعدش هم نتیجه‌گیری. خداحافظ.

با تاریخ. به فکر دیگه. برای روز عروسی تشریف بیارید.

و بعد ما نام آپولونیوس را هم داریم. خب، اصطلاح «درود» در این نامه استفاده شده است، و ما فقط چند جای معدود در عهد جدید داریم که دقیقاً همین معنی را می‌گیریم، که نوعی تحیت است. خب، این درود از گرفته شده است kairein کلمه یونانی.

شما آن را در پاراگراف پایین متوجه خواهید شد. این سلام استاندارد یونانی است. ما سه مورد از این‌ها را در عهد جدید داریم.

در اعمال رسولان ۱۵ و ۲۳، جایی که نامه‌ها به صورت رفت و برگشت نوشته می‌شوند، از کایرین به عنوان اصطلاح خود استفاده می‌کنند. یعقوب ۱:۱ نمایانگر برخی از قدیمی‌ترین دوره‌های عهد جدید ما است. به عنوان مثال، آنها هنوز در کنیسه‌ها گرد هم می‌آیند.

آنها در کلیساهای خانگی نیستند. و از اصطلاح «درود» استفاده می‌کند. از قالب استاندارد نامه‌های یونانی-رومی پیروی می‌کند.

از کایرین استفاده نمی‌کند. هرگز از آن استفاده نمی‌کند. او نامه‌هایش را مسیحی می‌کند.

پولس چگونه نامه می‌نویسد؟ خوب، همانطور که در اینجا در اول قرن‌تین، در ۱:۱، و همچنین در تمام رساله‌ها می‌بینیم، چیزی در این راستا خواهیم داشت. فیض و آرامش در قالب پولس در اینجا کایرین هستند. این همان سلام و درود است.

او مسیحی شده است، اما حتی پیش از آن، همانطور که به شما خواهم گفت. گاهی اوقات لطف، رحمت و آرامش است. نه خیلی اوقات.

لطف و آرامش غالب هستند. و فکر می‌کنم وقتی کمی بیشتر در مورد این مقدمه توضیح دهم، دلیل آن را خواهیم دید. پس، لطف و آرامش.

لطف و آرامش. اکنون، عهد عتیق، Eirein. کلمه ایرنه برای نام زن، به معنای صلح است، eirein، کایرین. و نامه‌های یهودی خارج از عهد عتیق اغلب از کلمه صلح به جای کلمه کایرین استفاده می‌کنند.

می‌خوانم. در باب چهارم کتاب عزرا، ما NRSV برای مثال، در باب چهارم کتاب عزرا، من فقط برای تنوع، از مناسبتی برای این موضوع داریم. در آیه ۱۷ از باب چهارم کتاب عزرا. پادشاه پاسخی برای راحوم، نایب پادشاه، و شمش، کاتب، و بقیه همکارانشان که در سامره و بقیه استان ماوراء النهر زندگی می‌کردند فرستاد.

عبارت جذابی است. ما از عهد عتیق استفاده نمی‌کنیم (Beyond the river) «عبارت» فراتر از رودخانه، توجه کنید NRSV اما شاید بخواهید معنی آن را جستجو کنید. حالا، به معنی کلمه «درود» در

حالا، عزرا از همان قالب استفاده می‌کند. می‌توانید ببینید که این حروف باستانی هستند. استفاده از چنین کلمه‌ای هنگام نوشتن برای کسی رایج بود.

مثال دیگری در اینجا در آیه ۷:۵ در کتاب عزرا وجود دارد. به داریوش پادشاه، سلامتی کامل، باشد که پادشاه بداند. بنابراین، در آن نامه، به جای گفتن «درود»، که شاید کمی بیش از حد آشنا می‌بود، از کلمه‌ای مانند «صلح» استفاده شده است، و آن می‌توانست «شالوم» باشد.

این می‌توانست یک آرزوی خوب باشد، اما همچنین یک اصطلاح برای احوالپرسی هم محسوب می‌شد. بنابراین فقط یک راه برای انجام این کار وجود ندارد. چندین چیز در این نامه‌ها وجود دارد.

علاوه بر این، اگر بخواهیم به کتاب دیگری که بخشی از عهد عتیق یا عهد جدید نیست نگاه کنیم، کتاب استفاده NIV را دارم. من معمولاً از NRSV دوم مکابیان است. به همین دلیل است که من امروز نسخه می‌کنم زیرا این یک چیز راحت است و کمی راحت‌تر باز می‌شود.

برخی از کتاب‌های بین عهدین را از عهد عتیق تا عهد RSV را دارم این است که RSV اما دلیل اینکه من جدید در اختیار شما قرار می‌دهد. و اینها بسیار مفید هستند. به این ادبیات یهودی معبد دوم می‌گویند.

این به ویژه ادبیاتی است که در قرن سوم و دوم پیش از میلاد و پس از آن تا قرن اول تولید شده است. اما در واقع چهار مکابی وجود دارد. شما فقط دو مورد از آنها را اینجا دارید.

فقط بخش کوچکی از آن ادبیات را در اختیار شما قرار می‌دهد. در واقع دو جلد، از متون RSV نسخه آپوکریفا و پسودپیگرافا در عهد عتیق وجود دارد. حتی یک جلد هم در مورد آپوکریفا و پسودپیگرافا در عهد جدید وجود دارد.

آن را برای اهداف تاریخی در RSV، بنابراین، متون زیادی خارج از کتاب مقدس رسمی وجود دارد. اکنون اینجا گنجانده است زیرا مطالبی است که واقعاً خوب است. در واقع، کلیسا برای آن ارزش قائل بود و حتی آن را در سپتواجینت و برخی جاهای دیگر حفظ کرد، زیرا با عهد عتیق به زبان یونانی کار می‌کردند.

حالا، به دوم مکابیان ۱:۱ گوش دهید. یهودیان در اورشلیم و کسانی که در سرزمین یهودیه بودند با خویشاوندان یهودی خود در مصر. حالا، جالب اینجاست. فلسطین، مصر، بین‌النهرین.

خب، مردم کجا رفتند؟ چون زندگی در فلسطین سخت بود. آنجا سرزمین حاصلخیزی نبود. سنگ‌های زیادی داشت.

و فقط زمان‌های خاصی از سال وجود داشت که می‌توانستید گله‌های خود را تغذیه کنید. آنها تمایل داشتند و به ویژه به مصر مهاجرت کنند. برخی به پایین می‌رفتند و برخی گشتند.

ما این را در خانواده پدرسالار در عهد عتیق می‌بینیم. و سپس برخی بودند که در واقع به اسارت به بین‌النهرین برده شدند. به خویشاوندان یهودی آنها در مصر، درود و صلح واقعی.

بنابراین، و این به زبان یونانی به دست ما می‌رسد، مکابیان این کار را می‌کنند. به زبان عبری به دست ما نمی‌رسد. به زبان یونانی به دست ما می‌رسد.

ما سلام و درود داریم. حالا، اینها نوشته‌های یهودی هستند. خیلی مناسب و طبیعی است که یک نوشته‌ی یهودی از کلمه‌ی صلح استفاده کند.

شالوم به معنی «باشد که همه خوبی‌ها نصیب تو شود.» این یک آرزوی خوب برای گیرنده نامه است. این کلمه هم در نامه‌های شخصی و هم در نامه‌های رسمی استفاده می‌شود.

اگر به پایین صفحه برویم، نامه‌ای به آریستوبولوس وجود دارد. آیه ۱۰، مردم اورشلیم و یهودیه و سنا و یهودا به آریستوبولوس، که از خانواده کاهن مسح شده، معلم پادشاه بطلمیوس بود، و به یهودیان مصر. بار دیگر، مصر.

با سلام و آرزوی سلامتی. حال، می‌بینیم که در عزرا از سلامتی استفاده شده است. حال، اینجا هم از آن استفاده شده است.

اما ما هنوز در هر دو جا کلمه سلام و احوالپرسی را داریم. بنابراین، آنها تمایل داشتند که این اصطلاح اولیه استفاده می‌شد Kyrene سلام و احوالپرسی را به نوعی زیبا جلوه دهند. از

از ایرین استفاده می‌شد. و ایده سلامتی. بنابراین، می‌توانیم ببینیم که در حروف باستانی، شکلی داریم

درست مثل اینکه بخواهم برای کسی نامه بنویسم. این [روش] در عصر الکترونیک خیلی وقت است که دیگر وجود ندارد. وقتی ایمیل می‌نویسیم، گاهی اوقات حتی به کسی سلام هم نمی‌کنیم

ما فقط آن را با کلمات بیان می‌کنیم. اما در دوره نامه‌نگاری، معمولاً می‌گفتیم، «جناب فلانی. «خب، این فرم ما بود.

این فرم نوشتن نامه در بسیاری از کشورهای غربی، به خصوص در محیط انگلیسی، بود. «عزیز فلانی. «و بعد، نامه را با «با احترام» به پایان می‌رساندیم و سپس نامه را امضا می‌کردیم

خب، نامه‌ها قرن‌ها، هزاران سال است که به روش‌های مشابهی نوشته شده‌اند. ما این را در کتاب مقدس نیز می‌بینیم: دوم مکابیان ۱:۱ و ۱:۱۰. حال، اول قرن‌تینان نیز از الگوی نامه‌های قرن اول پیروی می‌کند

این یک مقدمه دارد. این در اول قرن‌تینان ۱:۱-۹، بالای صفحه ۵۱ آمده است. این متن از ۱:۱۰ تا فصل ۱۶:۱۸ یک بدنه اصلی بزرگ دارد،

و سپس، در فصل ۱۶، آیات ۱۹ تا پایان کتاب، پایانی دارد. و بنابراین، صرف نظر از اندازه، از قالبی آشنا پیروی می‌کند. این قالب‌ها بخشی از ژانر ادبی هستند

نامه یک ژانر است، اما بخش‌های آن نیز همینطور. و ما انتظار داریم چیزهای خاصی آنجا باشند. یک مثال جالب در عهد جدید وجود دارد که ژانر نامه‌ها را از هم می‌پاشد

آیا می‌دانید کدام کتاب در عهد جدید، تبریک معمول، بیانیه معمول شکرگزاری یا دعای معمول را ارائه نمی‌دهد؟ آن کتاب غلاطیان است. چه کسی شما را جادو کرده است؟ وای! شما در مورد شکستن پروتکل صحبت می‌کنید. این باید یک سیلی محکم به صورت ما باشد

این می‌توانست سیلی محکمی به صورت آن جماعت بزند. وقتی کسی بلند می‌شود و این را برای جماعت می‌خواند، هیچ تشریفاتی در کار نیست. چه کسی شما را جادو کرده است؟ این باید توجه ما را جلب کند

، هر چیزی که از استاندارد منحرف شود. استاندارد این است که یک مقدمه و یک سلام داشته باشید. حال، بیابید به اول قرن‌تینان ۱:۱-۹ نگاه کنیم و ببینیم که چگونه با الگوی آغاز یک نامه مطابقت دارد

من آن را در اواسط صفحه ۵۱ به شما داده‌ام - هویت فرستندگان. پولس، نویسنده، و سوستن در اینجا نقش درونی در نوشته دارد

پولس و سوستنس. سوستنس یک همکار است. تقریباً در تمام نامه‌های آغازین پولس، او از افراد دیگری، گاهی اوقات بیش از یک نفر، نام می‌برد

،یه جورایی جالبه، نه؟ به خواست خدا به عنوان رسول مسیح عیسی فراخوانده شده. و برادر من سوستنیس. پولس یه سری همراه داشت

تیموتائوس و تیطوس بخشی از آن بودند. سوستن نیز بخشی از آن است - تنها جایی که واقعاً در عهد جدید از او نام برده شده است.

در مورد اینکه سوستن چه کسی بوده، ایده‌هایی وجود دارد. اجازه می‌دهم خودتان از جزئیات فراوان موجود در تفاسیر، این ایده‌ها را استخراج کنید. ما نمی‌توانیم در مورد همه این چیزها صحبت کنیم

،اما اگر آن را به صورت ترکیبی ببینیم. پولس در اینجا تصور نمی‌کند که نویسنده‌ی جمعی باشد. او می‌گوید پولس و برادر من سوستن.

این یک انجمن خدمتگزاری است. نه یک انجمن نویسندگی. برخی فکر می‌کنند که سوستن ممکن است کاتب پولس بوده باشد.

هر روز نمی‌شنوید. این کلمه به معنی کسی است که دیکته می‌گیرد و چیزهایی را برای شما می‌نویسد. به یاد داشته باشید، در زمان پولس، آنها ضبط صوت نداشتند.

آنها ماشین تحریر نداشتند. فکر کنم دارم شوخی می‌کنم. اما افرادی داشتند که برای نوشتن آموزش دیده بودند.

و به احتمال زیاد، وقتی پولس نامه‌هایش را نوشت، پشت میز ننشست و آنها را نوشت. بلکه آنها را به افراد دیکته کرد. آنها آنها را نوشتند.

بسیاری از اوقات، آنها به احتمال زیاد یا در سلام یا گاهی اوقات در پایان نامه در رابطه با عضویت در آن جامعه گنجانده می‌شوند. همراهان پولس. وقتی به پولس فکر می‌کنید، گمان می‌کنم می‌توانید تصویر یک فرد سختگیر را در ذهن خود تصور کنید.

شخصی که مدت‌ها موعظه می‌کرد، مردم از پنجره‌ها به پایین می‌افتادند و باید رستخیز می‌کردند. شخصی که در حضورش بسیار قدرتمند بود. اما وقتی به عهد جدید می‌پردازید، متوجه می‌شوید که پولس مردم را دوست داشت.

او گاهی اوقات از اختلاف نظر رنج نمی‌برد. گاهی اوقات، آن را نادیده می‌گرفت. کتاب رومیان برخی از این موارد را نشان می‌دهد.

او فقط خوشحال است که آنها انجیل را موعظه می‌کنند، حتی اگر با او بدرفتاری کنند. اما پولس کسی بود که مردم را دوست داشت. او درباره برادران صحبت می‌کند.

او یکی از افرادی است که در تغییر به استفاده از کلمه برادران به جای شاگرد در این ادبیات رساله‌ای، نقش غالب را داشته است. و بنابراین، من فکر می‌کنم که پولس مردی بود که می‌خواست... را بپذیرد و این کار را کرد و افراد را آموزش داد. کلمه شاگرد هرگز در رساله‌ها نیامده است.

هیچ کدام. فعلی به معنای «یاد گرفتن» وجود دارد که دو یا سه بار تکرار شده است. اما اسمی که در انجیل‌ها و کتاب اعمال رسولان به آن عادت کرده‌ایم، به این معنی است که همزمان با زمان نگارش رساله‌ها استفاده شده است.

اما خود رساله‌ها از استعاره و تصویر شاگرد استفاده نمی‌کنند. آنها از استعاره و تصویر برادران و خواهران استفاده می‌کنند. تصویر خانواده به جای تصویر شاگرد.

و با این حال، جنبه‌های زیادی از شاگردی و کار کردن وجود دارد، همانطور که برای پولس و با پولس بود. پولس اصطلاحات زیادی را ابداع می‌کند. همکاران.

او سکه می‌زند. خب، به جای اینکه بگوید فقط من کار می‌کنم، می‌گوید ما همکار هستیم. او آن را به عنوان یک جامعه می‌بیند.

هنگام خواندن متن، به نشانه‌های آن توجه کنید. فقط از روی آن نخوانید. پس، پولس و سوستنس.

علاوه بر این، ما هویت مخاطبان را داریم. هویت مشترک آنها در آیه ۲ آمده است. کلیسای خدا که در قرن‌تس وجود دارد. کلیسای خدا.

هویت معنوی آنها. عشق آنها به واسطه مسیح عیسی. ضمناً، عبارت مسیح عیسی کمی رسمی‌تر از عبارت عیسی مسیح است.

عنوان مسیح را در ابتدا قرار می‌دهد. می‌دانید، ما نمی‌خواهیم سعی کنیم جزئیات جزئی ایجاد کنیم زیرا نتایج نهایی رابطه با قرن‌تس را می‌دانیم. می‌دانیم که این نامه دوستانه نخواهد بود.

ما می‌دانیم که آنها با او دوستانه رفتار نمی‌کردند. اما نمی‌توانیم آن را بپذیریم و از آن منظر کاملاً به جزئیات پردازیم. می‌توانیم از آن آگاه باشیم.

اما باید خیلی مراقب باشیم که مبدا نویسنده را در نحوه‌ی ارائه‌ی خودش تقریباً بی‌صداقت جلوه دهیم. او اینطور نیست. او جدی است.

من شما را گرامی می‌دارم. خدا شما را گرامی می‌دارد. با وجود اینکه شما بچه‌های خیلی خوبی نیستید.

بسیار خوب. به کلیسای خدا در قرن‌تس. به آنان که در مسیح عیسی تقدیس شده‌اند.

او درباره هویت معنوی آنها صحبت می‌کند. تقدیس صرفاً به معنای جدا کردن است. یعنی جدا شدن در تقدس.

حالا می‌گوید که آنها تقدیس شده‌اند. این را به عنوان یک... من از این کلمه به عنوان یک واقعیت پزشکی قانونی استفاده می‌کنم. این چیزی بیش از یک واقعیت کاربردی است.

دو کلمه وجود دارد که من هر از گاهی از آنها استفاده خواهم کرد. پزشکی قانونی اصطلاحی است که به معنای جنبه قانونی است. آنها از نظر قانونی در مسیح عیسی هستند.

آنها نجات یافته‌اند. آنها آن جایگاه را دارند. آنها در مسیح هستند.

این یک جایگاه پزشکی قانونی است. این یک جایگاه در پیشگاه خداست. گاهی اوقات می‌گوییم که این متن بیشتر در مورد عملکرد است تا پزشکی قانونی.

کارکردگرا بودن به معنای تمرکز بر کاری است که انجام می‌دهید یا کاری که باید انجام دهید. از نظر جنبه‌ی پزشکی قانونی، تقدس وجود دارد و از نظر جنبه‌ی کارکردی، تقدس یافته است. همانطور که پترسون می‌گوید، مقدس باشید زیرا من مقدس هستم.

و بنابراین، ما زبان پر بار زیادی داریم، و می‌توانید این را باز کنید، اما ما می‌خواهیم سعی کنیم تصویر کلی و خلاصه‌ای از آن را به دست آوریم. ما نمی‌توانیم از هر اصطلاحی که در این متن وجود دارد، به همراه همه کسانی که در همه جا نام خداوند ما عیسی مسیح را می‌خوانند، کتابی بسازیم.

حال، یکی از اصول هرمنوتیک این است که به دنبال تکرار به عنوان دریچه‌ای به سوی معنا باشیم. حال ممکن است ندانید تکرار در یک مقدمه چیست، مگر اینکه همه مقدمه‌ها را با هم مقایسه کنید تا ببینید. وجوه مشترک آنها چیست. غلاطیان برجسته است زیرا از وجوه مشترک فاصله می‌گیرد.

اما کلمه «خداوند» بارها در این آیات اولیه رساله اول قرن‌تینان به کار رفته است. حال، آیا باید لحظه‌ای مکث کنیم و فکر کنیم که اگر تکرار دریچه‌ای به سوی معنا است، چرا پولس مدام آنها را با «خداوند خداوند، خداوند» تکرار می‌کند؟ خوب، کمی دشوار است که بگوییم این چه معنایی می‌تواند داشته باشد، اما می‌خواهم بگویم وقتی به بخش‌های بعدی رساله می‌رسیم، می‌بینیم که خداوند بودن عیسی برای برخی از این قرن‌تینان کمی ایده غریبی بود.

آنها مطیع خداوندی او نبودند. شاید این پیش‌بینی آن باشد و کمی این را به آنها القا کند که عیسی خداوند است، نه فقط رفیق شما، به این ترتیب. خوب، پس ما به سلام و احترام رسیدیم، هویت مشترک آنها به عنوان کلیسا.

باید مراقب باشم چون این اصطلاحات بارها و بارها تکرار می‌شوند و نمی‌خواهم خیلی تکرار کنم. فکر می‌کنم فقط یک لحظه صبر کنم و به اصطلاح کلیسا برگردم چون در صفحه بعد به آن اشاره شده است. سپس در آیه ۳ به معنای واقعی کلمه سلام و درود داریم که در آن این جمله آمده است: «فیض و سلامتی از جانب خدا، پدر ما، و خداوند عیسی مسیح بر شما باد».

را داریم که grace ببخشید داریم، نه کلمه درود. ما کلمه ، xaris ، grace kairene بسیار خوب، اینجا ما را داریم که کلمه صلح است. پس، لطف و درود بر شما باد Eirene پاریس است، و

هر دوی این‌ها اصطلاحات مسیحی محکمی هستند، و راستش را بخواهید، برای تفکر یهودی هم بسیار محکم هستند. در واقع، کلمه صلح به طور خاص همین‌طور است. من دوست دارم فکر کنم وقتی پولس سلام را به جای درود گفتن، که از آن استفاده نمی‌کند، به بیانیه مذهبی خود تبدیل کرد، این کار را برای نشان دادن خودش انجام داد.

پولس که بود؟ پولس یک یهودی بود. نه فقط یک یهودی پیر. او یک یهودی آموزش دیده بود.

او احتمالاً یک فریسی محسوب می‌شد. نه تنها این، بلکه او یک یهودی مسیحی نیز بود. او عیسی را به عنوان مسیح پذیرفته بود.

فیض الهی اصطلاحی غالب در تصویرسازی از جامعه مسیحی است. این به آن معنا نیست که جامعه عهد عتیق را تصویرسازی نمی‌کند. این فقط ماهیت استفاده از اصطلاحات در برهه‌ای خاص از تاریخ است.

و عهد جدید بخش بزرگی از گر را در خود جای داده است. و در عهد عتیق نیز فیض و آرامش فراوانی برای بهره بردن وجود دارد.

خب، این می‌تواند جنبه‌ی یهودی داشته باشد. بنابراین، ما در سلام و درودی که پولس می‌دهد، نام‌های مسیحی و یهودی را در کنار هم داریم. این چیز فوق‌العاده‌ای است.

فکر می‌کنم این برای پاول یک چیز طبیعی بود. او لازم نبود جلسه کمیته داشته باشد تا تصمیم بگیرد که من چگونه با مردم صحبت کنم. اما این حرف‌ها از درونش بیرون می‌آمد.

ما قبلاً در عهد عتیق خیلی خیلی قبل دیده‌ایم که برای رساندن منظور، می‌توان از بیش از یک اصطلاح در سلام و احوالپرسی استفاده کرد. خب، پولس این کار را در سلام‌هایش با فیض و آرامش انجام داده است. و این یکی از سلام‌های غالب اوست.

نه تنها زوج درودگر وجود دارند، بلکه زوج الهی پدر و پسر نیز وجود دارند. فیض و آرامشی از جانب خدای پدر و خداوند عیسی مسیح.

خب، روح کجاست؟ می‌دانید، اگر قرار است بگویید دو تا از آنها، چرا سه تا از آنها را نگوید؟ مگر تثلیث جدی نیست؟ خب، این را به خاطر داشته باشید. وقتی مردم در مورد اشخاص یا جنبه‌های تثلیث پدر، پسر و روح‌القدس مسائلی را مطرح می‌کنند، برخی را اینجا و برخی را آنجا و بخشی را اینجا و همه آنها را اینجا پیدا می‌کنند. فقط این را به خاطر داشته باشید.

دوستان، در ذات الهی حسادت وجود ندارد. نویسندگان روی لبه صندلی خود ننشسته‌اند و به چیزهایی که ما گاهی اوقات به آنها فکر می‌کنیم، فکر نمی‌کنند. اما صحبت کردن در مورد پدر و پسر برای این قرن‌تیان امری طبیعی بود.

اقتدار و ارتباط بین عیسی و پدر. حالا، ممکن است کسی عجولانه بگوید، شاید او به روح اشاره نکرده باشد، چون در فصل‌های ۱۲ تا ۱۴، وقتی عطایای روحانی را می‌بینیم، خیلی در مورد روح بدگویی کرده‌اند. خب، یک بار دیگر، چطور می‌توانیم ذهن یک نویسنده را بخوانیم؟ آیا پولس اصلاً چنین فکری کرده است؟ خب، نمی‌گوییم که نکرده، اما مطمئن نیستیم که کرده باشد، و رک و پوست کنده فکر نمی‌کنم که این واقعاً مسئله‌ای باشد که ارزش این همه وقت گذاشتن را داشته باشد.

او فقط طوری حرف زد که انگار به ذهنش خطور کرده بود. پدر و پسر. خداوند عیسی مسیح.

توجه داشته باشید که این را در بیشتر ترجمه‌ها خواهیم دید، اما شاید نه در همه آنها. در ساختار خدای پدر، خدا اول می‌آید، و در ساختار خداوند عیسی مسیح، خداوند اول می‌آید. در اینجا یک چیز قطعی است.

او با شروع این رساله، بزرگان را به یاد می‌آورد. خدای پدر و خداوند عیسی مسیح. سپس در آیات ۴ تا ۹، بیان شکرگزاری او را داریم. می‌توانید ببینید که نامه‌های معمولی که قبلاً در ادبیات سکولار و عهد عتیق خوانده‌ایم، می‌توانستند در کتاب اعمال رسولان نیز خوانده شوند.

ما حتی می‌توانیم به کتاب یعقوب نگاه کنیم. معمولاً آنها به اندازه اکثر رساله‌های پولس، انشایی طولانی ندارند. مقدمه‌های پولس معمولاً بسیار طولانی هستند و این مقدمه‌ها ارتباط زیادی با ماهیت محتوایی که قرار است ارائه شود دارند و او در حال آماده شدن برای آنچه قرار است به این مخاطبان بگوید، است.

بیا بیا ببینیم او در آیات ۴ تا ۹ چه می‌گوید. یکی از اصطلاحاتی که به طور خاص در نامه‌های تبریک نویسندگان عهد جدید ما، و به ویژه پولس، غالب است، کلمه شکرگزاری است. در آن نامه سکولار، نویسنده برای گیرنده‌اش آرزوی سلامتی و تندرستی کرده است. خوب، پولس تقریباً همیشه در مورد آنچه که در رابطه با مخاطب مورد خطابش قدردانی می‌کند، صحبت می‌کند.

و این هم از این. خدای خودم را شکر می‌کنم. خدا را شکر برای کاری که پولس از اینجا شروع می‌کند.

به همین دلیل است که آیات ۴ تا ۹ را «شکرگزاری» نامیده‌ام. این یک بیانیه شکرگزاری است. به طرح کلی در صفحه ۵۱ نگاه کنید.

عبارت شکرگزاری در آیه ۴ آمده است. دلیل شکرگزاری در آیات ۵ تا ۷ آمده است. و اطمینان شکرگزاری در آیات ۸ و ۹ آمده است. اگر موعظه می‌کنید، موعظه سه نکته‌ای شما اینجا است. می‌توانید جزئیات را باز کنید. بیا بیا فقط برای لحظه‌ای به آیه ۴ نگاه کنیم.

من همیشه به خاطر تو از خدا، خدای خودم، تشکر می‌کنم. بگذارید حرف دلم را بزنم. من اینجا همزمان به سه چیز فکر می‌کنم. بگذارید ذهنم را به این موضوع برگردانم.

من همیشه خدای خود را به خاطر فیضی که در مسیح عیسی به شما عطا کرده است، در آیه ۴، شکر می‌کنم. من سعی می‌کنم چند چیز را از بالای سرم اینجا مقایسه کنم. فیضی که در مسیح عیسی به شما عطا شده است. من همیشه خدای خود را به خاطر شما و فیض خدا که در مسیح عیسی به شما عطا شده است، شکر می‌کنم.

پولس از ایمانداران قرن‌تس سپاسگزار است. او این را در جمله‌اش کاملاً روشن می‌کند. نه تنها این، بلکه در آیه ۵ ادامه می‌دهد. شما از این نظر توسط خدا غنی شده‌اید و در آیه ۵ مشکل من این بود که به عینکم نیاز دارم.

من نمی‌توانم خیلی خوب تمرکز کنم. باید مرا ببخشید. من حدود سه سری عینک دارم که برای کارهای مختلف از آنها استفاده می‌کنم و مطالعه یکی از مواردی است که چاپ روی آن ریزتر از آن چیزی است که من با آن مشکل دارم.

بسیار خوب، پس آیه ۴، آیه ۵ زیرا در او از هر جهت غنی شده‌اید. حال به این نگاه کنید. با انواع و اقسام چه؟ گفتار.

و با همه چی؟ دانش. او، این جالبه. شما نه تنها غنی شده‌اید، بلکه خدا هم از این طریق شما را غنی کرده است.

اما نه تنها این، بلکه شما از جانب خدا موهبت یافته‌اید. بیا بیا به بخش دوم آیه ۷ نگاهی بیندازیم. خدا در آیات ۶ و ۷. بدین ترتیب خدا شهادت ما را در مورد مسیح در میان شما تأیید می‌کند. مفهوم ضمنی این است که کار و شخصیت شما گواهی بر کار ماست.

بنابراین، شما از هیچ موهبت روحانی‌ای بی‌بهره نیستید. او، این چیست؟ آیا اینجا پژواک‌هایی می‌شنوید؟ پژواک‌هایی از چیزهایی که قرار است در آینده رخ دهند. گفتار، دانش و موهبت‌های روحانی

و شما از هیچ عطای روحانی بی‌بهره نیستید. او در اینجا از آنها انتقاد نمی‌کند. همانطور که مشتاقانه منتظر ظهور خداوند ما عیسی مسیح هستید.

او همچنین شما را در مورد روز شکرگزاری مطمئن نگه خواهد داشت. او همچنین شما را تا به آخر حفظ خواهد کرد تا در روز خداوند ما عیسی مسیح بی‌عیب باشید. خدایی که شما را به مشارکت با پسرش فراخوانده است، امین است.

عیسی مسیح، چی؟ پروردگار ما. دوباره پروردگار اینجاست. خب، من اینجا چند نکته در مورد این سلام و درود ارائه دادم.

در پیش‌خوانی‌ام، امروز که به اینجا آمدم، ذهنم کمی پر و تقریباً مملو از جزئیات بود، زیرا تفسیرها گاهی اوقات می‌توانند ۱۵ صفحه را به آیاتی مانند این اختصاص دهند تا تمام ظرافت‌ها و ارتباط‌ها با بقیه کتاب مقدس را بیان کنند. و ما فقط باید به تلاش برای درک اجملی اهمیت این موارد بسنده کنیم. اول از همه، برخی مشاهدات گزینشی.

اول از همه، در نظر بگیرید که مقدمه‌ی نویسنده، متن نامه‌ی بعدی را آماده می‌کند. وقتی درودها را در رابطه با نامه‌ها مطالعه می‌کنید، متوجه خواهید شد که عدم وجود درود، مانند آنچه در غلاطیان آمده است، این مقدمه را آماده می‌کند. آنها احتمالاً بعد از شنیدن این جمله، از درها بیرون دویدند.

نکته‌ی بعدی ۱-۴. یه جورایی تلاش برای جلب توجه. یه عبارت لاتین هست، و بعضی‌ها گفتن که پولس سعی داشته با این سلام و احوالپرسی نظرشون رو جلب کنه تا بعداً بتونه حسابی سرشون داد بزنه.

فکر نمی‌کنم پاول چنین آدمی بوده باشد. اما فکر می‌کنم پاول در بیان مطالبش صادق بوده است. فیتزمایر چیزی می‌گوید که این یعنی نویسنده چیزی می‌گوید که مخاطب می‌خواهد بشنود و بنابراین توجه آنها را جلب می‌کند.

می‌توانید تصور کنید که مخاطبان قرن‌تس وقتی این حرف‌ها را از پولس می‌شنیدند، چقدر ذوق‌زده می‌شدند؟ به متن برگردید. پولس و قرن‌تس در حال مکالمه هستند. ارتباطات مدام در حال تغییر است.

به یاد داشته باشید، این در واقع دوم قرن‌تس است. همه چیز در حال تغییر و تحول است. پیام‌آورانی هستند که پیام‌های شفاهی را به یکدیگر منتقل می‌کنند.

آنها می‌دانند که کارهایی انجام داده‌اند که پولس از آنها راضی نبوده است. سپس این نامه را دریافت می‌کنند و در ملاء عام خوانده می‌شود و پولس آنها را ستایش می‌کند و به آنها می‌گوید که چقدر مورد لطف و نعمت هستند و چقدر با استعدادند. آنها حتماً نشستند و می‌گویند اینجا چه خبر است؟ برخی سعی کرده‌اند بگویند که پولس مودبیانه رفتار کرده است، اما نه، نه، او کاری را انجام می‌داد که قرار است یک نامه با فرمت مشخص انجام دهد.

در مورد افرادی که برایشان می‌نویسید، حرف خوبی بزنید. حتی اگر سخت باشد، آن را بگویید. به دنبال چیزهایی باشید که در آنها خوب هستند.

اما می‌دانید، همانطور که اغلب در زندگی اتفاق می‌افتد، هر جا که نقاط قوتی داریم، می‌توانیم نقاط ضعف خود را نیز پیدا کنیم. پولس چیزهایی را در مورد آنها می‌گوید که در مورد آنها صادق است، چیزهایی را می‌گوید که آنها را به خاطر آنها ستایش می‌کند، و با این حال بعداً، او باید برگردد و کمی روی این دسته‌ها کار کند. به غیبت دعا توجه کنید.

معمولاً در دروهای پولس، او مطالب را به صورت دعا برای مخاطبانش بیان می‌کند. خب، این اینجا نیست. نکته‌ی دیگری که کم است این است که او شروع می‌کند؛ کم نیست، اما می‌گوید، من همیشه از خدای خودم به خاطر او سپاسگزارم.

یادتان هست که گفتم شکرگزاری یکی از دسته‌بندی‌های اصلی در دروها است، همانطور که پولس می‌نویسد. بنابراین، همه چیز تقریباً عادی است. همه چیز عادی است.

ما که می‌دانیم چه اتفاقی قرار است بیفتد، می‌توانیم برخی از محرک‌ها را ببینیم، و احتمالاً تماشاگران هم به این محرک‌ها فکر کرده‌اند، چون بین آنها ارتباطی وجود داشته است. در عین حال، آنها آنجا نشسته‌اند و احساس خوبی دارند. خوشحالیم که پاول بالاخره از خواب بیدار شد و دید که ما چقدر خوب هستیم، وقتی این را برایشان تعریف می‌کند.

گلوله سوم. پنج بار در این نه آیه کلمه پروردگار استفاده شده است. در آیات ۲، ۳، ۷، ۸ و ۹. پنج بار.

این تکرار است. حالا، گاهی اوقات در سلام و احوالپرسی، می‌توانیم نام الهی را تکرار کنیم، اما این یکی به نوعی برجسته است، و فکر نمی‌کنم پرسیدن این سوال دور از ذهن باشد که آیا او گوش آنها را در مورد مسئله خداوند، خداوندی مسیح که باید در زندگی آنها باشد، نوازش می‌کند. و سپس آخرین نکته در ۱، ۵ تا دلیل پولس برای سپاسگزاری از قرن‌تیان دقیقاً در دسته‌بندی‌هایی است که او بعداً مورد انتقاد قرار خواهد داد.

به صفحه ۵۲ نگاه کنید. صفحه بعد. در ۱:۵ آنها در گفتار و دانش غنی می‌شوند.

ما قرار است زیاد در مورد زبان، گفتار و دانش صحبت کنیم. اما او می‌گوید که آنها غنی شده‌اند. و او دروغ نمی‌گوید.

او صادقانه صحبت می‌کند. و با این حال، در عین حال، نیاز به اصلاح وجود دارد. در آیه ۷:۱، نتیجه این است که آنها از هر نوع موهبتی که در آیه ۷ آمده است، برخوردارند. شما از هیچ موهبت معنوی بی‌بهره نیستید.

تو هیچ کم و کسری از کاریزما نداری. کلمه هدیه در یونانی نیست. این یک ترجمه است.

به معنای واقعی کلمه، فقط این است که شما از نظر معنویت کمبودی ندارید. یا در واقع، در کاریزماتا، ما گاهی اوقات آن را به عنوان یک موهبت ترجمه می‌کنیم. گاهی اوقات صفت موهبت معنوی را با آن می‌گذاریم.

اما واقعیت این است که این هدیه به معنای کریسمس نیست. بلکه یک موهبت است. در هر موهبتی

حالا نکته جالب این ماجرا برای من تا حدودی این است که او ایده هر عطایای معنوی را در آن لحاظ نکرده و به آن اضافه نکرده است. آیا او شما را خوانده است؟ بله، او در آیه ۷ این کار را می‌کند. من متوجه نشدم. من اینجا دارم به خیلی چیزها به طور همزمان نگاه می‌کنم.

به طوری که شما در هیچ چیز کمبودی ندارید، با استعداد. این جالب است. خوشحالم که توجه می‌کنم.

سال ۲۰۱۱ رو داریم NIV باید زودتر توجه می‌کردم. کلمه روحانی اونجا نیست. ما

، بیایید فقط چیزی را مثال بزنیم. و می‌گوید، بنابراین، شما از هیچ موهبت معنوی بی‌بهره نیستید. خوب، کلمه‌ی مناسب، کاریماتا است.

نمی‌گویم که استفاده از کلمه معنوی به عنوان صفت برای صحبت در مورد موضوعی که او در موردش صحبت می‌کند کاملاً مناسب نیست. اما این اصطلاح وجود ندارد. من فقط کنجکاووم و فکر می‌کنم باید همه چیز را از اول بدانم.

نگاه کنم تا چیزی کم نداشته باشید NRSV اما من این کار را نمی‌کنم. می‌خواهم به نسبت ۱:۷ در

آنها از همان کلمه، معنوی، استفاده می‌کنند. آنها کاریماتا را در آن زمینه از موهبت معنوی در نظر می‌گیرند. اما این همان استعداد ذاتی است.

می‌آید. به معنای لطف و رحمت (xaris) این لطف و رحمت است. کاریماتا از همان خانواده‌ی زیرس

، شما مورد لطف خدا قرار گرفته‌اید. بسیار خوب، بعداً بیشتر در مورد عطایای معنوی صحبت خواهیم کرد. اما نه اینجا. این ترجمه می‌تواند معتبر باشد، حتی اگر من دوست داشته باشم صفت را واقعاً روی آن بنویسم.

بنابراین، آنها در یک چیز کمبود ندارند. مورد ۱.۹ ادامه دارد. این به ما در درک اصطلاح رفاقت یا کویونیا کمک می‌کند.

، بنابراین، به آیه ۹ نگاه کنید. امین است خدایی که شما را به رفاقت با پسرش عیسی مسیح، خداوند ما فراخوانده است. رفاقت در اینجا به چه معناست؟ یک اصطلاح جالب در مطالعات کتاب مقدس وجود است. koinonia دارد. کلمه رفاقت، همانطور که احتمالاً می‌دانید، ترجمه یک اصطلاح یونانی به نام

نام دارند. من آن را روی در کلیساها (koinonia) در واقع مدارس یکشنبه‌ای وجود دارند که کویونیا ترجمه می‌شود (community) دیده‌ام. و این کلمه اغلب به معنای رفاقت

اما بیایید کمی در موردش فکر کنیم. آیا زبان یونانی عهد جدید به نام کویونه یونانی را شنیده‌اید؟ فکر می‌کنم کویونه یونانی چیست؟ کویونه یونانی همان یونانی رایج است koinonia بعضی از شما شنیده‌اید. کویونه

زبان یونانی در میان اکثر مردمی که در دنیای یونانی-رومی زندگی و کار می‌کردند، رایج بود. آنها گویشوران کلاسیک پر زرق و برق نبودند. آنها یونانی کویینی صحبت می‌کردند.

ما آن رفاقت را به «کویونیا» ترجمه می‌کنیم، و سپس بار شگفت‌انگیزی از مفاهیم را به آن اضافه می‌کنیم.

که احتمالاً هرگز در ذهن پولس رسول نبوده است. یک شام باپتیست. ما قرار است یکشنبه شب دور هم جمع شویم و با هم معاشرت کنیم.

و لازم نیست این را بگویید. همه می دانند که قرار است غذا بخوریم. قرار است با یکدیگر معاشرت داشته باشیم.

ما اغلب می گوییم. این یعنی قرار است با هم باشیم. قرار است با هم صحبت کنیم.

ما قرار است از غذا لذت ببریم و غیره. ما در فرهنگ خود از این کلمه به روش های جالبی استفاده می کنیم. در کتاب مقدس چگونه از آن استفاده شده است؟ کلمه کویونیا اساساً به معنای چیزی است که به طور مشترک به اشتراک گذاشته می شود.

بنابراین، وقتی پولس در آیه ۹ به آنها می گوید، خدا امین است، خدایی که از طریق او به مشارکت پسرش فراخوانده شده‌اید. آیا شما فراخوانده شدید تا با عیسی شام بخورید؟ آیا این به این معنی است که شما فراخوانده شده‌اید تا بنشینید و با عیسی گفتگو کنید؟ من فکر نمی کنم. مشارکت پسرش به این معنی است که شما فراخوانده شده‌اید تا در نجات مشتری که به خاطر عیسی مسیح از آن ماست، سهیم شوید.

منظور از رفاقت، مشارکت به معنای اجتماع اجتماعی نیست. بلکه منظور این است که آنچه مشترک است، یعنی ما به رفاقت خداوندان عیسی مسیح فراخوانده شده‌ایم، به این معنی که ما فراخوانده شده‌ایم تا آنچه را که عیسی به عنوان پسر خدا به انجام رساند، به اشتراک بگذاریم. ما نجات را داریم.

او نجات را برای ما به ارمغان آورد. وقتی به کلمه کویونیا برمی خوریم، با کلمه رفاقت روبرو می شویم، و وقتی به ادبیات یوحنا می رسیم، موارد زیادی از این دست وجود دارد. واقعاً در یوحنا، هم انجیل و هم به ویژه اول یوحنا، دنیایی از خود به خود می گیرد.

ما فراخوانده شده‌ایم تا درک کنیم که رفاقت، اجتماعی نیست. رفاقت چیزی است که ما به طور مشترک داریم. عیسی با پدر رفاقت دارد و ما با پسر رفاقت داریم.

یعنی ما با الوهیت در رستگاری که او فراهم کرده است، مشترک هستیم. می توانید در برخی زمینه‌ها از کلمه کمون استفاده کنید، اما این ایده‌ی کسل کننده‌ی ارتباط اجتماعی صرف که در بسیاری از فرهنگ‌هایمان داریم، نیست. این مفهوم بسیار پربارتر از این حرف‌هاست.

نه فقط خوش گذراندن، بلکه سهیم شدن در رستگاری، اهداف و وظیفه‌ای که خدا پیش روی ما قرار داده است. در عهد جدید، کویونیا بیشتر در مورد آنچه مشترک است، می باشد. فراخوانده شدن به مشارکت پسرش به معنای داشتن حیات جاودان مشترک است.

برای نجات یافتن، یا هر طور که محصول نجات را توصیف کنید، این همان چیزی بود که قرن‌تین برای مشارکت فراخوانده شدند - مشارکت رستگاری، حیات جاودان. بنابراین، نامه‌ها، رساله‌ها، به جمعی از مؤمنان مسیح نوشته شدند.

یک نسخه می رسید، مردم جمع می شدند و یکی از آنها، احتمالاً یک ریش سفید یا کسی که در خواندن شفاهی مهارت داشت، آن را برای مردم می خواند. و اینگونه بود که آنها اطلاعات خود را به دست می آوردند. آنها چیزی جمع نمی کردند و نسخه‌ها توزیع می شدند.

آنها گرد هم می‌آمدند، گوش می‌دادند و می‌شنیدند. و در مورد شفاهی بودن این بستر ارتباطی، مطالب زیادی برای گفتن وجود دارد. محتوای یک رساله، صرفاً برای تأکیدی کوتاه، مبتنی بر مناسبتی بود که نویسنده برای آن می‌نوشت.

این نامه یک مکالمه یک طرفه است. این نامه خطاب به کلیسای خدا در قرن‌تس نوشته شده است. از آنجایی که قرن‌تس در زمان خود شهر بزرگی بود، بعید است که تمام گروه مسیحیان در یک مکان یا در یک زمان خاص گرد هم آمده باشند.

برای خطاب به کلیسای خدا در قرن‌تس، کلمه کلیسا در این موقعیت خاص به صورت مفرد آمده است. کلیسای خدا در قرن‌تس. این به جامعه نگاه می‌کند.

برخی گفته‌اند که شاید این منحصر به فرد بودن اشاره به کلیسای خدا، فراخوان بعدی پولس برای وحدت، در کلیسا را فراخوان می‌دهد. شاید یک کلیسای متنوع، حتی از نظر جغرافیایی در آن شهر وجود داشته باشد اما یکی وجود دارد. این نامه به احتمال زیاد در بین این جماعت‌های جداگانه پخش می‌شد، زیرا هیچ راهی وجود ندارد، حتی به معنای کوچک، که همه آنها می‌توانستند در یک زمان در یک مکان جمع شوند.

ekklesia و بنابراین، آنها احتمالاً در سراسر شهر، به اصطلاح، در سلول‌هایی جمع می‌شدند. کلیسا از کلمه گرفته شده است، به این معنی که ما ریشه و معنی آن را داریم. ریشه‌شناسی همان چیزی است که اجزای کلمه به آن معنی می‌دهند.

به معنای گروهی است که فراخوانده شده‌اند. معنای آن اجتماع است. این اصطلاح، اِکلیسیا، که به معنی کلیسا ترجمه می‌شود، برای اسرائیل به کار می‌رود.

اسرائیل یک اکلیسیا بود. این یک اجتماع مردمی برای یک هدف خاص بود. اصناف، اصناف، اتحادیه‌های کارگری در قرن اول مانند نقره‌کاران در افسس و دیگران، به عنوان اکلیسیا شناخته می‌شوند.

آنها مجامعی از افراد خاص هستند. آنها بارها برای یک هدف مشترک گرد هم می‌آیند. بنابراین، اسرائیل، اصناف، و ما در این متون رساله‌ای، اکلیسیا را به عنوان کلیسا ترجمه می‌کنیم.

اما باید سعی کنیم به خاطر داشته باشیم که داریم درباره یک گردهمایی صحبت می‌کنیم. ما درباره ساختمان‌های مناره‌دار که در فرهنگ خودمان به آنها فکر می‌کنیم صحبت نمی‌کنیم. خودتان را به عنوان یک مسیحی قرن اول در قرن‌تس تصور کنید.

شما این مقدمه را می‌شنوید و آماده گوش دادن می‌شوید. تا زمانی که این طور باشد، من تعجب می‌کنم که آیا آنها حتی توانستند آن را در یک موقعیت بخوانند. با این وجود، شما آماده می‌شوید تا به آنچه پولس در رابطه با این سؤالات به کلیسا می‌گوید گوش دهید.

چه چیزی از ذهن می‌گذشت؟ سعی کن خودت را دوباره در آن موقعیت قرار بدهی. خیلی جذاب است، نه؟ فکر کردن به تمام چیزهایی که در ذهن افرادی که آنجا نشسته بودند، جاری می‌شد. و حسابرس شروع به خواندن می‌کند.

تو منتظری که سنگ پرتاب بشه، انگار که به خاطر این بود که پاول رو به چالش کشیدی. تو اون رو هل دادی. و اون رقیب کوچیکی نیست.

و او با قلاب مناسب برمی‌گردد. و ناگهان همه این چیزهای خوب را در مورد شما می‌گوید. این می‌توانست موقعیت جالبی باشد.

شاید وقتی به بهشت برسیم، چند ویدیوی تکراری از این چیزها داشته باشیم تا بتوانیم کنجکاوی خود را برطرف کنیم و بفهمیم که آیا درست فکر می‌کردیم یا نه و کل تصویر را ببینیم. همانطور که ما آنجا را ترک می‌کنیم، عبارتی وجود دارد که می‌توانم زمان زیادی را صرف آن کنم، اما این کار را نمی‌کنم زیرا فقط این بخش خاص از کتاب را از خمیر مایه بیرون می‌کشم. اما این همان عبارتی است که پولس در آیه ۱ می‌گوید. پولس، رسولی که فراخوانده شده است.

نه هر رسولی، بلکه رسولی که از طریق اراده خدا، مسیح عیسی را فراخوانده است. من کتابی نوشته‌ام به نام تصمیم‌گیری به روش خدا، الگویی جدید برای شناخت اراده خدا. «من کار گسترده‌ای روی این سوال انجام داده‌ام که اراده خدا چیست؟ اراده خدا چگونه در جهان عمل می‌کند؟ چگونه اراده خدا را تشخیص می‌دهیم؟ من فهرست منابع را به شما داده‌ام.

این کتاب را شاید بتوانید نسخه چاپی‌اش را پیدا کنید، اما می‌توانید آن را از لاگوس تهیه کنید. لازم نیست کل برنامه لاگوس را داشته باشید تا بتوانید از آنها کتاب تهیه کنید. می‌توانید آن را بخوانید.

این کتاب هم به زبان انگلیسی و هم به زبان اسپانیایی است، اگر اتفاقاً اسپانیایی صحبت می‌کنید. این کتاب از طریق لاگوس به هر دو زبان موجود است. فقط به طور خلاصه می‌گویم که وقتی گفته می‌شود او به خواست خدا فراخوانده شده است، منظور حاکمیت خدا در زندگی پولس است.

خدا پولس را در جاده دمشق از سر راه برداشت. این یک رویداد مهم در تاریخ بود. پولس لجاز بود و خدا دیگر نمی‌خواست بیشتر از این صبر کند یا تحمل بیشتری داشته باشد.

او پس‌گردنش را گرفت. گفت: «پاول، به تو نشان خواهم داد که چه رنج‌های بزرگی را به خاطر من متحمل خواهی شد.» از آن روز به بعد، پاول مرد دیگری شد.

خداوند متعال در این زمینه به پولس کمک کرد و او را به خدمت گماشت. پولس این حقیقت را در همان ابتدای این نامه بیان می‌کند، زیرا با ورود به فصل‌های ۱ تا ۴، متوجه خواهیم شد که مردم علیه اقتدار پولس فشار می‌آوردند. به یک معنا، این خلاف اعتبارنامه‌های پولس است.

و حتی در مراسم تحلیف، پولس این موضوع را حل و فصل می‌کند و آن را با عباراتی کاملاً مشخص بیان می‌کند. خب، این برای من کمی سخت است. من فقط هنگام ضبط این نوارها با شما صادق خواهم بود، زیرا من کلاس درس ۱۰ تا ۱۲ نفره را دوست دارم که در آن با آمادگی قبلی حاضر می‌شویم و تبادل نظر بیشتری در مورد سوالات داریم.

من فقط گوینده نیستم. وقتی با این همه مطالب سر و کار دارید، از بعضی جهات کمی دشوار است. من اینجا کمی در صحبت‌هایم دچار لکنت شدم.

از این بابت عذرخواهی می‌کنم. دارم سعی می‌کنم کمی راه خودم را پیدا کنم که چطور با انبوهی از مطالب برخورد کنم که خسته‌کننده نباشد و در عین حال، حقایقی را به شما منتقل کند. امیدوارم در چارچوبی که در آن قرار دارند، این کار را انجام دهم.

احتمالاً با پیشرفت در این کار بهتر خواهیم شد. اما فعلاً امیدوارم هفته خوبی داشته باشید و شما را در سخنرانی بعدی خواهیم دید. روز خوبی داشته باشید.

این دکتر گری میدورز در حال تدریس در مورد کتاب اول قرن‌تیان است. این سخنرانی ۹، مقدمه رساله‌ای پولس بر اول قرن‌تیان ۱: ۱-۹ است.